

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بیژن نیابتی

۰۳ اگست ۲۰۱۴

بن بست "دولت یهود" ، شکوه مقاومت مسلحانه

جنایت علیه بشریت در غزه چهارمین هفته خود را پشت سر می گذارد. نزدیک به ۱۵۰۰ کشته و ۸۰۰۰ زخمی و مجروح و دنیائی که به تماشا نشسته است. رژیم کودک کش اما ، هنوز به هیچ یک از خواستههای پلیدش دست نیافته است. مقاومت مشروع مسلحانه در ارض فلسطین موفق می شود که آرام آرام نقاب از چهره قداره بندگان "متمدن" دولت جعلی و حامیان رنگارنگ آن برکشیده و اعلامیه کذائی "حقوق بشر" را بر صورتکهای متقلبان تف کند. بیش از سه هفته است که بر زن و مرد و پیر و جوان فلسطین آتش می بارد. بیش از سه هفته است که ارتش اشغالگر ، هدفدار و آگاهانه به کشتار کودکان اشتغال دارد. اما موفق به شکستن کمر مقاومت مسلحانه نشده و البته هم که هرگز نخواهد شد. همانگونه که در طول ۶۴ سال موجودیت ننگینش هم نشده است. و حالا "مسأله فلسطین" یک بار دیگر فاتحانه بر روی میز "سیاست جهانی" قرار می گیرد.

مستقل از آن که دامنه جنایات جنگی تا کجا ادامه یابد و روند اوضاع به کدامین سمت و سو کشیده شود، تا همینجای کار بی تردید دولت صهیونیستی متحمل یک شکست خفت بار دیگر گردیده است. دستاورد آن در غزه تنها خانه های ویران و اجساد غرقه به خون کودکان فلسطینی است که درمقابل چشمان جهان خوابزده به نمایش گذاشته می شود و ته مانده های وجدانهای جوامع مسخ شده را تحریک می کند. آری این کودکان هستند که با پیکرهای جرحه جرحه خود بهای بیداری جامعه انسانی را می پردازند. همین خانه های ویران و کودکان به خاک و خون افتاده اند که با معصومیت شان تمامی رشته های "مافیای یهود" را در سراسر جهان پنبه می کنند و توطئه های رنگارنگ را یکی پس از دیگری درهم می شکنند. نفرت به حق انسانها از "کف خیابان" به بالا کشانده می شود. توطئه سکوت به شکست می انجامد و هرروز بیشتر مافیای رسانه ئی را به واکنش و عقب نشینی وادار می کند.

در این گیر و داری که هرگونه عقلانیتی دولت اسرائیل را ترک گفته است ، صهیونیستها مدام به زانوی خود شلیک می کنند. بمباران مستمر مردم غیرنظامی و کشتار "شعاعیه" کفاف نمی کند ، پناهندگان به یک مدرسه سازمان ملل را به خاک و خون می کشد. هنوز بهت و حیرت حامیان داخلی و بین المللی اش ادامه دارد که پارک محل بازی بچه ها را هدف قرار می دهد و ده ها کودک را به خاک و خون می کشد و ده ها نفر دیگر را زخمی می کند. فقط آمار کشتگان یک شب از مرز یکصد نفر می گذرد. یگانه نیروگاه برق غزه در هم کوبیده می شود و به دنبال آن باز یک مدرسه دیگر با پرچم ملل متحد را آگاهانه بمباران می کنند. کار بدانجا می کشد که نماینده سازمان ملل متحد در

مقابل دوربین تلویزیون در گزارش ماجرا ، از این همه سببیت و وحشیگری کنترل خود را از دست داده و های های گریه می کند.

اشگ ریزان نماینده ملل متحد ، جدای از برانگیختگی وجدان انسانی او اما ، نشانه عجز و بیچارگی سازمان مطبوعش نیز است که آلت فعلی در معادلات قدرت جهانی بیش نیست. او می گوید که بیش از هفده بارمختصات محلمان را به دولت و ارتش اسرائیل گزارش کرده بودیم اما آنان پیشیزی ارزش برای قوانین و مقررات بین المللی قائل نیستند. به هر تقدیر ، بی اعتنائی به قواعد بازی جهانی و بستن سلاح از رو ، جای سیاست مزورانه مظلوم نمائی و صلح طلبی دروغین نشسته است. دولت حرامزده مستمر به پای خود شلیک می کند. توان موشکی نیروهای مقاومت در غزه اما نشکسته است. به عکس خلاف گذشته اینبار تمامی خاک اصلی نیروی اشغالگر در تیررس قرار دارد.

بازهای اسرائیلی در آغاز با طرح و نقشه ای به ظاهر عاقلانه آغاز کرده بودند. آخرین تهاجم به غزه در سال ۲۰۱۲ در شرایطی به وقوع پیوسته بود که "بهار عرب" دوراول خود را به پایان رسانیده و دیکتاتورها ظاهراً روانه زیاله دانی تاریخ گردیده بودند. از یکسو درمصر دولت اخوان المسلمین همجنس حماس برسرکار آمده و گذرگاه رفح به مثابه تنها راه تنفس غزه باز گردیده و از سوی دیگر رابطه رژیم جمهوری اسلامی هم با حماس حسنه بود. تهاجم ، ۸ روز بیشتر به درازا نمی انجامد.

دوسال بعد اما جهنم دست پخت طراحان "طرح خاورمیانه بزرگ" در همه جای خاورمیانه و شمال آفریقا گسترش می یابد. تمامی کشورهای عضو ائتلاف رادیکال سابق عربی علیه اسرائیل و توافقات کمپ دیوید به ویژه عراق و سوریه و لیبیا به برکت دمکراسی اهدائی نئوکانها در شرایط یک جنگ داخلی تمام عیار قرار دارند. درمصر دولت مرتجع ولی "منتخب" اخوان المسلمین که خود با یک انقلاب مخملی بر سر کار آمده نیز جای خود را در یک انقلاب مخملی دیگر قهراً به دولت کودتاگر جنرال همدست اسرائیل واگذار کرده است.

گذرگاه رفح بار دیگر بسته شده و غزه به گونه ای بالفعل به بزرگترین زندان سرباز در جهان مبدل گردیده است. در یک کلام تمامی نوار غزه و جنبش حماس در شرایط محاصره و یک ایزولاسیون کم نظیر قرار دارند. فرصتی از این بهتر برای اشغالگر متصور نیست. بهترین زمان برای جنایت علیه بشریت ، زمانی است که افکار عمومی و سیستم رسانه ئی جهان با آغاز مسابقات جام جهانی فوتبال در دورستها و هزاران کیلومتر دورتر از محل جنایت ، در برزیل متمرکز است. تصور راسیستهای اسرائیلی و حامیان بین المللی آن این است که در ظرف چند روز و در یک سکوت مرگبار دیپلماتیک و رسانه ئی کار مقاومت در غزه تمام و به تبع آنهم فاتحه ائتلاف تاریخی الفتح - حماس یعنی همان کابوس دولت حرامزاده نیز خوانده خواهد شد. ظاهراً حساب همه چیز شده است. هفتم جولای ۲۰۱۴ ، تهاجم هوائی "خرد کننده" اسرائیل به نوار غزه کلید می خورد. ویژگی این تهاجم در عدم تناسب مطلق میان کنش نیروی غیرخودی و واکنش نیرویهای خودی می باشد. تانک درمقابل با تیر و کمان ، هواپیما درتقابل با راکت، گله حیوانات درنده و تیز دندان در برابرانسان تنهای دست بسته و پای در زنجیر!

سالها پیش در بررسی "طرح خاورمیانه بزرگ" اشاره ای گذرا به یک سند طبقه بندی شده تحت عنوان **defense policy planning** به معنی "طراحی سیاست دفاعی" داشتیم که مدتها پیش از شعبده بازی ۱۱ سپتمبر، توسط برخی از نظریه پردازان صهیونیست به نخبگان هیأت حاکمه امریکارائه شده بود. دراین سند به صراحت ستراتیژی "جهان تک قطبی" و نقش و جایگاه ایالات متحده به مثابه تنها ابرقدرت موجود و شیوه های تحقق ستراتیژی مذکور و ابزار آن یعنی اتکاء بی حد و مرز به "قدرت خردکننده" **overwhelming power** ، به تصویر کشیده شده بود. تصویر

ابرقدرتی بیگانه به مثابه "پادگانی تا دندان مسلح ، بر بالای تپه و مسلط بر شهر" ! در مقدمه سند آمده بود : "هدف اول عبارت است از پیشگیری از ظهور یک رقیب جدید که قادر به ایجاد تهدیدی از نوع تهدید قبلی شوروی در هر نقطه از جهان باشد ." و بدینگونه بود که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ، هم کنش نیروی غیر خودی طراحی گردید و هم واکنش "خرد کننده" و مطلقاً نامتناسب نیرویهای خودی. قربانیان مرکز تجارت جهانی در مقابل به خاک و خون کشیده شدن عراق و افغانستان و خط مستمر خون و جنایتی که تا امروز همچنان ادامه دارد.

آری ، "قدرت نظامی خردکننده" یعنی همان راهکار راسیستهای اشغالگری که در قرن بیست و یکم و در عصر انفجار اطلاعاتی مذبحخانه می کوشند به کودک کشی ، به نسل کشی ، به جنایت علیه بشریت و به جنایت جنگی ، لباس دفاع از خود و حفاظت از دموکراسی ببوشانند. همان راهکاری که بیش از شصت سال است که علیه یک خلق محروم که گناهی جز دفاع از خانه و سرزمین خود ندارد ، مستمراً به کار گرفته شده و هیچ دستاوردی جز نفرت روز افزون جهانی نسبت به هر آنچه که نشان از یهودیت داشته باشد، نداشته است. عجباً ! سرمایه جنایتکار یهود و مافیای صهیونیستی که تنها خدایش پول و قدرت است مرتکب جرم می شود اما مسؤولیت آن خواه و ناخواه متوجه تمامیت جامعه یهودی است. مجازات محتوم این جنایات نیز! مگر آن که در مقابل این بدسگالی بی مانند به پا خیزند. حمایت به جای خود ، سکوت در مقابل این نسل کشی آشکار در مقابل چشمان بشریت مسخ شده همکاری مستقیم در جنایت است.

داشتم می گفتم که قاتلان قوم برگزیده چنین می پنداشتند که در شرایط ایزولاسیون کامل غزه و تمرکز خبری و رسانه ئی دنیا بر مسابقات جام جهانی فوتبال می توان با وارد کردن ضربات نظامی خردکننده ، حماس یکه و تنها را چنان به نقطه ضعف و اضمحلال کشانید که یا همچون جریان سابقاً انقلابی فتح به سازش و تسلیم کشانیده شود و یا در تعادل قواء کفه اش آنقدر پائین بیاید که دولت آشتی ملی و ائتلاف با ارزش حماس - فتح با شکست روبه رو شده و از هم بپاشد. این توهم اما به واقعیت نپیوست.

اولین شوکی که حماس وارد می کند رو کردن توان راکتی جدیدی بود که از چشم و گوش سیستم اطلاعاتی اسرائیل به دور نگه داشته شده بود. جاسوسان و خبرچینانی که بسادگی در میان تشکیلات دولت خودگردان و کرانه غربی جولان می دهند در میان تشکیلات هرمی و ایدئولوژیک حماس و به تبع آن خاک غزه ، ظاهراً از شناس چندانی برخوردار نبوده اند. "قدرت خردکننده" نیروی هوایی نه تنها موفق به خاموش کردن آتش حماس نمی شود بلکه سیستم دفاع راکتی "گنبد آهنی" نیز اینجا و آنجا به چالش کشیده می شود. برای اولین بار تمام سرزمینهای اشغالی تحت حاکمیت رژیم صهیونیستی از تل آویو تا حيفا، در تیررس راکتهای حماس قرار می گیرند. اینبار آندسته از مردم اسرائیل که اکثریت شکننده ای از آنان از کشتار زن و کودک در مقابل صفحه تلویزیونهایشان به وجد می آمدند، آن حیوان صفتانی که صندلیهایشان را با بساط آجیل و شیرینی در مرز غزه مستقر کرده و به تماشای آتش بازی! نشستند و با هر بمبی و شلیک هر گلوله تانکی فریاد شادیشان به آسمان سر می کشید ، برای اولین بار وحشت جنگ و آژیر خطر و رفتن به پناهگاه از ترس راکت را اگرچه در ابعاد بسیار خرد ، حس می کنند.

مسابقات فوتبال هم مثل هر واقعه دیگری به پایان می رسد و بساط مافیای رسانه ئی جمع می گردد. آتش حماس اما همچنان ادامه دارد. دستاورد دولت حرامزاده چیزی نیست جز اجساد کودکان غزه. اینجا دیگر راه بازگشتی نیز نیست. یا دولت اسرائیل باید شکست خود را بپذیرد و یا راهی جز ورود به عملیات زمینی با تمامی تبعات آن متصور نیست. حماس بدرستی ، تنها آتش بسی را می پذیرد که شامل برداشته شدن محاصره ضد انسانی زندان

بزرگ غزه باشد. بازهای اسرائیل تصمیم به عملیات زمینی می گیرند. اما اینجا هم ابتداء به ساکن می بایستی که یک بار دیگر تمرکز رسانه ئی دنیا بر نقطه ای دیگر قرار بگیرد.

یاری از غیب می رسد ! یک هواپیمای متعلق به مالزی حامل مسافران اروپائی و به ویژه هالندی روی اوکراین ساقط می شود و فوکوس خبری اروپا و امریکا را تا مدتها بر روی اوکراین متمرکز می کند. درست همزمان با این اتفاق ارتش اسرائیل درمیان سکوت مطلق مافیای رسانه ئی وارد غزه می شود و نسل کشی مدرن آغاز می گردد. سرمایه جنایتکار یهود که نماینده میلیاردی خود یعنی "پترو پاروشنکوی" یهودی نسب را در اوکراین آفت زده بر سریر قدرت نشانده است توسط او با یک تیر دو نشان می زند. هم فوکوس خبری را از روی غزه منحرف می کند و هم مالزی و روسیه را در موقعیت تدافعی قرار می دهد. مالزی به مثابه یکی از پرجمعیت ترین کشورهای اسلامی منتقد اسرائیل و روسیه که در جریان الحاق شبه جزیره کریمه خط سرخ "نظم نوین" را خدشه دار کرده است. برای دورنشدن از مبحث اصلی عمداً وارد این بحث که خود یکی از مهمترین اتفاقات دوران پسا جنگ چهارم و نقطه عطفی در تقابلات این رویارویی نابرابر می باشد ، نشده و به غزه و تهاجم زمینی اسرائیل می پردازم.

دومین شوکی که حماس به نیروهای اشغالگر وارد می کند استفاده از شبکه عظیمی از تونلهای زیرزمینی است که تا پشت مرزهای غزه و در خاک اصلی اشغالگران نیز امتداد دارد. تاکتیک موفقی که یک بار در سال ۲۰۰۶ و طی جنگهای سی و سه روزه توسط جنبش حزب الله در لبنان به کار برده شده بود و نهایتاً طعم تلخ اولین شکست خفت بار در طول تاریخ حیات دولت یهود را به رژیم صهیونیستی چشاند بود. در اینجا نیز رزمندگان فلسطینی به ناگهان در پشت و میان نیروی اشغالگر از زمین بیرون می آیند و خود را در میان آنان منفجر می کنند. مقایسه این جنگ نابرابر با اولین تهاجم اسرائیل به غزه در جنگ بیست و دو روزه در دسمبر ۲۰۰۸ و جنوری ۲۰۰۹ ، گویای تفاوتهای بسیاری است. آنجا تروریسم یهود در مقابل قتل بیش از ۱۴۰۰ فلسطینی و هزاران مجروح تنها ۱۳ کشته داده بود. اینبار تا همینجای کار تنها بیش از یکصد سرباز اسرائیلی به درک واصل شده اند و حداقل دو نفر نیز به اسارت نیروهای مقاومت فلسطین در آمده اند. خود همین پدیده به اسارت درآوردن سربازان دشمن ، خود یکی از پارامترهای نوین در این جنگ ضد انسانی علیه مردم فلسطین و خالی کننده باد ارتش قدر قدرت ! تا دندان مسلح اشغالگر و یکی از دلایل عمده وحشیگریهای "داعش" گونه اخیر است.

هدف قراردادن فرودگاه بن گوریون در تل آویو و تعطیلی موقت آن که با قطع پروازهای شرکتهای هواپیمائی امریکائی و اروپائی همراه گردید، فراز دیگری از موفقیت مقاومت فلسطین در مقابل دشمن ضد بشری است. واقعه ای بسیار پر ارزش که فغان دولت حرامزاده را به آسمان برد و ضربه بزرگی به پرستیژ آن در مقابل انظار عمومی به ویژه در کشورهای غربی یعنی در میان کشورهای حامی خود می باشد.

نکته بسیار مهمی که کمتر بدان پرداخته می شود ، مسأله تأثیرات مادی راکتهای حماس می باشد. در اینجا و آنجا به ویژه درمیان ایرانیان با مواضعی روبه رو می شویم مبنی براین که اولاً این "راکت پرانی"ها ! ضربه ای به اسرائیل وارد نمی کند ، دوم واکنش دولت مذکور و بهائی که مردم عادی بابت آن می پردازند بسا بسا بیشتر از تأثیرات این راکتهاست. اینگونه مواضع همانگونه که تقسیم مسؤولیت مساوی میان حماس و اسرائیل اگر آبشخور حساب و کتابهای کثیف سیاسی نداشته باشد ، بی تردید حاصل کج فهمی و ناآگاهی مفرط است.

بزرگترین و مهمترین تأثیرات این راکتها جدای از انتقال فضای جنگی به درون اسرائیل و افزایش فشار اجتماعی بر روی حاکمیت ضد بشری ، بار مالی گسترده ای است که بر روی دوش ماشین نظامی اسرائیل سنگینی می کند. اسرائیل مجبور است که هر بار برای منهدم کردن یک راکت چند صد دالری که به خاک تحت حاکمیتش شلیک می

شود ، یک راکت چند هزار دالری هزینه کند. هزینه ای که در دراز مدت سر به میلیونها دالر می زند. به همین دلیل هم اسرائیل تنها راکتهائی را منهدم می کند که روی مناطق حساس فرود می آیند و نه هر راکتی را که فی المثل در بیابان و یا در آب فرود آید. این فشار پراهمیت مالی بر ماشین نظامی نیروی اشغالگر در کنار تأثیرات گسترده روانی بر دستگاه اداری و مناسبات اجتماعی در مجموع نشاندهنده اهمیت استراتژی یک تجهیز نیروی چریکی در پروسه جنگهای نامتقارن می باشد. این استراتژی در لبنان عمل کرد، در غزه هم بلاشک عمل خواهد کرد. تاهمینجای کار هم آزمایش خود را به خوبی پس داده است.

دیروزالفتح پرچم مقاومت مسلحانه را به یمن رهبری هشیارانه عرفات بر دوش می کشید و امروز این حماس ارتجاعی است که با جنگ و مقاومت مشروعیت می یابد. فردا اگر این نیز به راه سازش بیفتد بی تردید چریکی جایگزین می گردد که مقاومت را بر ننگ سازش مرجع می دارد. چرا که مقاومت برترین ارزشی است که دوام انسان را در مقام انسان میسر می کند. تن ندادن به ستم و سرکوب ، مقاومت در برابر تهاجم و تحمیل و حاکمیت ریا و تزویر یک "ارزش" است . برترین ارزشی که مرزهای ایدئولوژیک ، خاکی و خونی و نژادی را در می نوردد و مرز میان جهان انسانی و دنیای حیوانی را ترسیم می کند . تن دادن به قضاء و قدر ویژگی دنیای حیوانی و مقاومت به هر قیمت ، تنها خاص جهان انسانی است. آری این مقاومت است که در همه جا معیار مشروعیت است. معیار حقانیت نه ! معیار مشروعیت البته ! چه در ایران ، چه در غزه ! و چه در هر کجای این جهان که اسیر ظلم و بی عدالتی و دروغ و تزویر و اشغالگریست.

در معادله مقاومت در مقابل قدرت فائقه ، "قدرت آتش" مقوله ای کمی و تأثیرگذارنده است . اما آنچه که کیفی و تعیین کننده است همانا اراده رهبری و کادرهای سازمان رهبری کننده مقاومت است. تداوم و استمرار مقاومت است که آرام آرام نیروهای بینابینی را تعیین تکلیف می کند. جهان نظاره گر را به تحرک وامی دارد و وجدانههای خفته را بیدار می کند.

راه حل "مسأله فلسطین" تشکیل دو دولت نیست. اگرچه با این راه حل نباید مخالفت کرد. راه حلی که در حال حاضر بر روی میز سیاست جهانی است. راه حلی که دولت حرامزاده نه می خواهد و نه می تواند که بدان تن در دهد. بنابراین علی رغم آن که حمایت از راه حل دو دولت را به لحاظ سیاسی نادرست نمی دانم با اینحال تا آنجا که به تئوری و انعکاس مادی آن در کادر تعادل قوای کنونی برمی گردد ، راه حل دو دولت را بسیار غیر واقعی و فریبکارانه می بینم. تنها راه حل واقعی که به صلحی پایدار در منطقه راه می برد تنها با برچیده شدن بساط "دولت یهود" به مثابه نماد مادی "شرمطلق" و استقرار یک نظم دمکراتیک در سرزمین فلسطین امکانپذیر است و لاغیر ! نظمی که در چارچوب آن تمامی مردم ساکن این منطقه مستقل از هر دین و مذهب و نژادی در کنار هم و با حقوق برابر، از امکان یک زندگی با عزت برخوردار باشند. مشکل منطقه "مسأله فلسطین" نیست. معضل منطقه "مسأله اسرائیل" است. معضل یک نظام سرکوبگر و یک دولت نژاد پرست ، معضلی نیست که بدون گذار از آن بتوان دم از دنیای متمدن، حقوق انسان و جامعه مدنی و نظام دمکراتیک زد.

بحث من فراتر از آن که مخالفت با تشکیل دو دولت باشد ، ناظر بر غیرممکن بودن آن می باشد. همانگونه که در ایران خواست سرنگونی تام و تمام نظام هم جنس و همزاد "دولت یهود" نه به خاطر علاقه مندی به اعمال قهر انقلابی که به دلیل ماهیت رفرم ناپذیر "دولت اسلامی" می باشد. نه نظام پلید جمهوری اسلامی را می توان رفرمیزه کرد و نه با وجود یک غده سرطانی در خاورمیانه به نام "دولت یهود" می توان به راه حل دو دولت و همزیستی مسالمت آمیز دو ملت در کنار هم دست یافت. اگر بشود بسیار خوب است اما نمی شود . به یک دلیل ساده !

نظامهای ایدئولوژیک را نمی توان اصلاح کرد. چرا که هر گونه رفرم در اینگونه نظامها نهایتاً زاویه ای را باز خواهد کرد که راه به فروپاشی از درون خواهد برد. "دولت یهود" علی رغم تظاهر به دموکراسی و سکولاریزم یک نظام ایدئولوژیک است. نفس وجودی "دولت یهود" معنایی جز ادامه آپارتاید مذهبی و نژادی ندارد. نمی توان در زیر حاکمیت استثمارگر، سخن از محو استثمار به میان آورد. نمی شود بدون پایان یافتن اشغالگری، بدون بازگشت رانده شدگان به عنف به خانه هایشان و بدون به رسمیت شناختن حق خلق فلسطین بر سرزمین خود سخن از واقعی بودن طرح دو دولت راند. نمی شود! نه به این خاطر که ما نمی خواهیم! نه به این خاطر که این ایده، ایده بدی است. به این دلیل ساده که اسرائیل نخواهد پذیرفت. نمی تواند که بپذیرد. نفس وجودی "دولت یهود" نفی ایده دو دولت است. تنها یک قلم پذیرش مسأله بازگشت رانده شدگان فلسطینی به خانه هایشان به معنی برهم خوردن ترکیب جمعیتی اسرائیل و باز شدن مشت مدعیان تنها دموکراسی در خاورمیانه خواهد بود. آنوقت یا باید بساط دیکتاتوری و حکومت اقلیت ویژه راه انداخت و یا به دولت منتخب اکثریت فلسطینی تن داد. اینهم یعنی برچیده شده بساط "دولت یهود". به همین سادگی! اگر این امکانپذیر باشد، ایده دو دولت نیز امکانپذیر است. سخن کوتاه، نظم دموکراتیک واقعی و سکولاریزم حقیقی تنها از کانال فروپاشی این دولت تحقق می یابد. یک دولت جعلی را می توان از میان برداشت، یک ملت را هرگز!

بیژن نیابتی، ۱۱ مرداد [اسد] ۱۳۹۳